

توسعه و پیشرفت با مشاغل

داریوش امامی - کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی
دقیقه یزدانی فر - کارشناس امور اجتماعی

این مقاله، خلاصه اجرایی از گزارش کار جهانی در سال ۲۰۱۴ با موضوع "توسعه و پیشرفت با مشاغل" است. گزارش جامع آن در نه فصل توسط سازمان بین المللی کار تدوین گردیده که در ذیل به خلاصه اجرایی آن پرداخته می شود. تلاش کشورهای در حال توسعه، برای رسیدن به کشورهای توسعه یافته، سرعت حرکت روند همگرایی اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای پیشرفته در یک جا متمرکز شده است. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱، رشد درآمد سرانه در کشورهای در حال توسعه به طور متوسط در هر سال، ۳٫۳ درصد بیشتر از اقتصادهای پیشرفته بوده است. این در حالی است که سرعت رشد درآمد سرانه ثبت شده در کشورهای پیشرفته ۱٫۸ درصد است. این فرآیند همگرایی تا اوایل سال ۲۰۰۰، به ویژه پس از آغاز بحران جهانی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ تسریع و شدت یافت. (فصل ۱)

با این حال، تفاوت‌های قابل ملاحظه بین کشورها وجود دارد. این گزارش، کشورهایی را نشان می دهد که اقتصادهای در حال ظهور در آنها، به سرعت رشد کرده است. (فصل ۲) در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای با درآمدهای کم و متوسط و کشورهای کمتر توسعه یافته نیز از نظر رشد اقتصادی و پیشرفتی قابل توجه داشته و بیشترین پیشرفت سرمایه گذاری در ایجاد مشاغل با کیفیت را داشته اند.

ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میزان تلاش کشورها برای بهبود کیفی کار، به طور یقین نقشی موثر در تشریح الگوهای رشد دارد. (فصل ۳)

این حالت به خصوص در مورد بیش از دهه گذشته است. در کشورهایی که از اوایل سال ۲۰۰۰، بزرگترین سرمایه گذاری را در مشاغل با کیفیت داشته اند؛ استانداردهای زندگی آنها (به عنوان مثال اندازه گیری رشد متوسط درآمد سرانه سالانه) بیشتر از کشورهای است که در حال توسعه و شکوفایی اند. اما، نکته قابل توجه آنست که توجه کمتری به مشاغل با کیفیت شده است. در میان این کشورها که در آن کمبود کار وجود دارد؛ از جمله از اوایل سال ۲۰۰۰ تعداد کارگران با درآمد کمتر از ۲ دلار در روز - به شدت کاهش یافته است، به طور کلی، کشورهایی که رشد درآمد سرانه ۳٫۵ درصد داشته اند؛ به طور میانگین، بیش از دوره سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ می باشد. برای آن دسته از کشورهایی که کمترین پیشرفت را در کاهش کمبود کاری در اوایل سال ۲۰۰۰ داشته اند؛ این رقم تنها ۲٫۴ درصد است. به همین ترتیب، کشورهایی که موفق شده اند اشتغالهای آسیب پذیر را کاهش بدهند؛ به ویژه، در طول اوایل سال ۲۰۰۰، از رشد اقتصادی قابل توجهی پس از سال ۲۰۰۷ بهره مند شده اند. رشد سرانه این کشورها بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ سالانه نزدیک به ۳ درصد بوده که در واقع، عملاً، ۱ درصد بیشتر از کشورهایی است که حداقل پیشرفتی در کاهش بروز اشتغال آسیب پذیر را داشته اند که شامل مشاغل خانگی یعنی کار خانوادگی بدون پرداختی، می باشد.

با این حال، مسأله اختلاف در مشاغل با کیفیت، قابل توجه باقی مانده است...

زنان جوان برای پیدا کردن کار با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. چالش کار نیز کیفی است. در واقع، پیشرفت تحصیلی در حال بهبود سریع در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (فصل ۴). بنابراین شکاف رو به رشد بین مهارت بدست آمده در آموزش و ماهیت مشاغل در دسترس وجود دارد.

سوق دادن بسیاری از جوانان تحصیلکرده به مهاجرت

نبود مشاغل با کیفیت، عامل اصلی مهاجرت به ویژه میان جوانان تحصیل کرده در کشورهای در حال توسعه است. (فصل ۹) فاصله و شکاف در دستمزد، بین کشورهای فرستنده مهاجر و پذیرنده مهاجر بالاتر از ۱۰ به ۱ در سال ۲۰۱۳ است، بیش از ۲۳۰ میلیون نفر از مردم جهان در کشوری غیر از کشوری که متولد شده اند، زندگی می‌نمایند. خیزش مقداری ۵۷ میلیونی از سال ۲۰۰۰ در جنوب آسیا تقریباً نیمی از این افزایش را نشان می‌دهد. برای پاسخگویی به این چالش، ضروری است، در درجه اول، ظرفیت تولیدی متنوع ترجیحاً فقط از طریق آزاد سازی تجارت تقویت گردد.

شواهد و مدارک ارائه شده در فصل ۵، مطالعات کشورهایایی را نشان می‌دهد که ظرفیت تولیدی خود را با موفقیت ارتقا دادند و نیازمند توسعه استراتژی برای تنوع بخشیدن به پایه های اقتصادی و افزایش توانایی شرکت های پایدار، جهت ایجاد مشاغل با کیفیت هستند.

در حالی که تولید به رشد اقتصادی سریعتر و ایجاد شغل با کیفیت متمایل و وابسته است، این گزارش به طور مشخص بر تجربیات موفق مبتنی بر کشاورزی و توسعه روستایی، کارآمد و استفاده منصفانه از منابع طبیعی و خدمات که با سایر نقاط از اقتصاد ارتباط برقرار می‌نماید. هیچ مسیر توسعه واحد و گزارش اسناد و مدارک داستانهای موفق برای کشورها در تمامی سطوح از توسعه وجود ندارد. محدودیتهای منابع طبیعی و محدودیتهای زیست محیطی که همه کشورها با آن مواجه شده‌اند را می‌توان به یک مزیت برای اقتصاد در حال توسعه و نوظهور مبدل نمود که برای فناوری **leapfrogging** یک فرصت مغتنم به شمار می‌آید.

در این رابطه، «اقتصاد سبز» چشم انداز جدیدی را برای کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد؛ که از چالش‌های تطبیقی کمتری نسبت به اقتصادهای پیشرفته با ساختار آلاینده کربنی برخوردار است.

با این حال، در تمام موارد، بسیار حیاتی و تعیین است که از

علیرغم این روندهای مثبت، اشتغال و چالش های اجتماعی در بسیاری از کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه حاد باقی مانده است. بیش از نیمی از کارگران جهان در کشورهای در حال توسعه (به عنوان مثال، نزدیک به ۱،۵ میلیارد نفر) در اشتغال آسیب پذیر قرار دارند. این کارگران به احتمال زیاد نسبت به مزد بگیران نظامهای کاری رسمی که شاغلین در آن، از حمایت اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و مراقبتهای بهداشتی تحت پوشش و یا درآمد منظم برخوردارند؛ کمترین پوشش (حمایت اجتماعی) را دارند. آنها تمایل دارند که در یک دور تسلسل از مشاغل با بهره‌وری پایین، پاداش کم و توانایی محدود در امر بهداشت و آموزش خانواده‌های خود سرمایه گذاری نمایند؛ که به نوبه خود دورنمای کلی رشد و توسعه را نه تنها برای خود بلکه برای نسلهای بعدی نیز تعدیل می‌نماید. در جنوب آسیا و کشورهای جنوب صحرائ آفریقا، از هر چهار نفر کارگر، سه نفر از آنها در اشکال مختلف از مشاغل آسیب پذیر مشغول بکار هستند که به طور نامتناسبی مقایسه نسبت زنان به مردان تحت تاثیر بیشتری است.

به رغم پیشرفت های قابل توجه که قبلاً ایجاد شده، سطوح کمبود کار بالا باقی مانده است...

این کاهش در برابر بروز کمبود کار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان، چشمگیر بوده است. با این حال، ۸۳۹ میلیون نفر کارگر در کشورهای در حال توسعه، قادر به کسب درآمد به اندازه کافی برای خود و خانواده هایشان (روزی بیش از ۲ دلار در آستانه خط فقر) نمی‌باشند. این نشان دهنده حدود یک سوم از کل اشتغال، در مقایسه با بیشتر از نصف آن در اوایل سال ۲۰۰۰ است.

در طول پنج سال آینده حدوداً ۲۰۰ میلیون شغل جدید نیاز است تا با رشد جمعیت در سن کار در کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه همگام باشد...

در طول پنج سال آینده حدود ۲۱۳ میلیون جویای کار، وارد بازار کار جدید می‌شوند که ۲۰۰ میلیون نفر از آنها فقط در کشورهای در حال توسعه می‌باشند. این موضوع، بیکاری جوانان را افزایش می‌دهد. در حال حاضر، نرخ بیکاری جوانان بیش از ۱۲ درصد در کشورهای در حال توسعه که بیشتر از سه برابر نرخ بیکاری برای بزرگسالان است، قابل رویت هست. بصورت منطقه‌ای، بالاترین نرخ بیکاری جوانان در مناطق شرق، میانه و شمال آفریقا است که در آن، نزدیک به یک سوم از نیروی کار جوان جویای کار قادر به پیدا کردن شغل نیستند. با نرخ بیکاری ۴۵ درصد در این مناطق،

در مبارزه با فقر و نابرابری کار وجود دارد، در حالی که مشارکت در بازار کار ارتقا می‌یابد. این گزارش، نمونه‌هایی را نشان می‌دهد که چطور برخی از کشورهای در حال توسعه راه‌های خلاقانه برای تنظیم و توسعه حداقل دستمزد، از جمله گفت‌وگوهای اجتماعی را پیدا کرده‌اند. به همین ترتیب، مذاکرات جمعی که بخوبی طراحی شده، می‌تواند اثرات مثبت بر توزیع درآمد داشته باشد، در حالی که همچنین با اسباب غیررسمی و کم‌بهره‌ور مقابله می‌کند.

یکی از چالش‌های عمده، کاهش در پوشش مذاکرات جمعی است و این روند در اقتصادهای پیشرفته مشهود است.

موضوع حمایت از اشتغال، یک بحث جالب و قابل توجه است، اما اغلب بدون یک مرور نظامند از شیوه‌های معمول است که به دقت در این گزارش مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر خلاف پیش‌بینی‌ها، مقررات ضعیف اشتغال، تبدیل به استخدام رسمی را تسهیل نمی‌کند. در عوض، این گزارش نمونه‌هایی از کشورهایی مانند آرژانتین است که رسمی شدن را از طریق شیوه‌های عملی، به هم پیوستگی اصلاحات مالیاتی، حمایت اجتماعی، تسریع در فرآیندهای ثبت نام برای شرکت و اجرای بهتر را فراهم می‌کند. ... سوم، گسترش حداقل حمایت اجتماعی که بدرستی طراحی شده و به عنوان پیش برنده توسعه فراگیر مطرح است، نه فقط به عنوان یک شبکه ایمن هدفگذاری شده محدود برای فقرا...

شواهدی وجود دارد که حمایت اجتماعی به منظور کاهش فقر، نابرابری و اشتغال آسیب پذیر کمک می‌کند. (فصل ۷) حمایت اجتماعی با طرح خوب، قابلیت‌های فردی برای دسترسی به شغل بهتر را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، «بولسا»، «فامیلیا» در برزیل، قانون بیمه ملی اشتغال روستایی مهاتما گاندی در هند و برنامه‌های مشابه در ساحل عاج در ارائه درآمد اضافی به خانواده، موفقیت‌آمیز بود که به خانواده‌ها امکان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و همچنین بهبود سلامت و آموزش را میسر می‌کند.

علاوه بر این، حمایت اجتماعی می‌تواند رشد اقتصادی و ایجاد مشاغل با کیفیت را افزایش دهد و بیشتر بستگی به واکنش حمایت اجتماعی در تغییر شرایط اقتصادی دارد. برنامه‌های معکوس در چین و آفریقای جنوبی موارد جالب و قابل توجهی در این رابطه است. در برخی از کشورها، مانند اتیوپی و نامیبیا، اشتغال، هدف صریح و روشن از طرح‌های حمایت اجتماعی است. تاسیس یک پایگاه بودجه کارآمد برای حمایت اجتماعی بسیار مهم است. ایجاد شبکه مالیاتی بر صادرات نفت و گاز در کشور بولیوی، ابزاری در تامین منابع مالی پایدار غیر موثر برای حقوق

تمرکز رشد اقتصادی در چند بخش صادرات محور که ارتباط محدودی به سایر نقاط از اقتصاد دارد؛ جلوگیری شود. سیاست‌های اقتصادی گوناگون و متنوع، تدابیری را برای تسهیل رسمی سازی و شکوفایی بنگاه‌های اقتصادی و اجرای استانداردهای کار که می‌تواند تماماً به توسعه و ارتقای کار شایسته کمک و یاری برساند. دگرگونی بهره‌ور به پشتیبانی یک محیط توانمند برای بنگاه‌های اقتصادی نیاز دارد که این محیط شامل سیاست‌های کلان اقتصاد حمایتی است.

تجربه چندین کشور آسیایی و آمریکای لاتین تاکید بالقوه بر استراتژی‌های توسعه به منظور پرورش دادن تنوع تولیدی در همکاری با بخش خصوصی و تقویت محیط زیست برای بنگاه‌های اقتصادی است. در حالی که در همان زمان با حصول اطمینان از اینکه تقاضای کل کافی از طریق سیاست‌های کلان اقتصاد ضد دورهای قابل ملاحظه است.

همچنین، آنها اثبات نمودند که موفقیت در کنترل‌های خوب سرمایه‌ای کالبره شده، نشانگر مدیریت جریان فرار سرمایه و حفظ نرخ‌های ارز است که در هر دو حالت قابل پیش بینی و رقابتی هست.

این یافته‌های جدید نقش دولت را در توسعه کشورها روشن نمود. با توجه به باور سنتی، قبول دخالت‌ها و پشتیبانی هدفدار که می‌تواند منبع تحریفها و عدم کارایی اقتصاد باشد. در واقع، موفقیت، وابسته به استراتژی‌های متنوع دقیق در زمینه آزادسازی تجارت تدریجی مطابق با تعهدات چندجانبه است.

تقویت نهادهای بازار کار به جای نادیده گرفتن استانداردهای کار...

مؤسسات کار و حمایت اجتماعی از عناصر تشکیل دهنده مهم رشد اقتصادی، مشاغل با کیفیت و توسعه انسانی می‌باشند (فصل ۶). برای دستیابی به اقتصاد متنوع بدون تدابیر فعال برای مقابله با بهره‌وری پایین در بخش کشاورزی و بنگاه‌های کوچک و متوسط، موقعیت کاری ضعیف و نرخ‌های بالای غیررسمی امکان پذیر نیست.

اگر نابرابری‌های اجتماعی رشد کند و یا رفتار رانت جویی توسط صاحبان منابع طبیعی یا خاک برای ادامه فعالیت بدون کنترل مجاز دانسته شود؛ رشد قوی و پایدار در معرض خطر قرار می‌گیرد. ساخت چنین مؤسسات اثربخش تری، یک چالش جدی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. مکانیزم تنظیم دستمزد و مقررات کار باید به درستی طراحی و توجه باید پیاده سازی ظرفیت مفروض شود.

با وجود این مشکلات، بسیاری از نوآوری‌های جالب اخیر در این منطقه وجود دارد. آگاهی در حال رشد از نقش حداقل دستمزد

بازنشستگان است.

در نهایت، مهم این است که حمایت اجتماعی با مجموعه‌ای از سیاست‌ها آمیخته شود تا محیط حمایتی برای بنگاههای اقتصادی و ایجاد شغل فراهم گردد که شامل ساده کردن مراحل اداری برای خود اشتغالی به منظور تسهیل کارآفرینی رسمی می‌باشد. یکی دیگر از پایشهای موفقیت‌آمیز، ارائه انگیزه‌های اضافی برای دریافت‌کنندگان مزایا می‌باشد که شامل جویندگان کار آموزش دیده و شاغل می‌باشند؛ همانطوری که در برنامه‌های آموزش حرفه‌ای کشور برزیل به بهره‌بردار و ذی‌نفع در برنامه انتقال درآمد ارایه شده است.

در نهایت، اطمینان از توسعه‌های متعادل در آمدی برای اجتناب از نابرابریهای زیان آور

در حال حاضر، گسترش نابرابریهای درآمدی در داخل کشورها یک واقعیت مبرهن است. تجزیه و تحلیل نشانگر آن است که این روند با تغییر در توزیع درآمد با خسارت و ضرر کار همراه است.

کشورهای در حال توسعه، از این الگوها ایمن نبوده‌اند. (فصل ۸) شواهد حاکی از افزایش نابرابری است که می‌تواند در رشد اقتصادی زیان آور باشد؛ تا جاییکه اثر مصرف منفی مرتبط با رشد نابرابریها اهمیت بیشتری به اثرات مثبت بازده بالاتر از سرمایه‌گذاری و بهبود هزینه رقابتی دارد. همچنین، نتیجه منفی آن بسیار زیاد است که احتمال دارد؛ به دلیل اثرات رقابت با این واقعیت تضعیف شود که سهم درآمدهای کار در بسیاری از کشورها پایین می‌آید که منجر به کسری از تقاضای جهانی و یک سیر و جریان نزولی در دستمزدها و استانداردها باشد و علاوه بر تاثیر آن در اقتصاد، افزایش نابرابری درآمد ممکن است؛ منجر به تضعیف انسجام اجتماعی و تشدید نا آرامی‌های اجتماعی شود. همان طوری که در برخی از کشورهای عربی و آسیایی اتفاق افتاده است.

توانایی کشورهای در حال توسعه، برای جبران سقوط سهام درآمد کار از طریق وضع مالیات تصاعدی، نسبت به اقتصاد کشورهای پیشرفته محدودتر است. از این رو، تقویت نهادهای بازار کار ضروری است که می‌تواند توزیع در بازار درآمد را بین کار و سرمایه بهبود بخشد. همین طور می‌تواند از طریق تسهیل گفتگو بین کارفرمایان و کارگران، اجرای قوانین و استانداردهای نیروی کار و همچنین طرح خوبی از توسعه حمایت اجتماعی را به منظور حصول اطمینان از توزیع درآمد متعادل‌تر در کشورهای در حال توسعه به همراه داشته باشد. تجارب مهم در این مناطق، از جمله در آرژانتین، برزیل و اخیرا تونس وجود دارد.

در نهایت، کار شایسته باید هدف اصلی دستور جلسه در بسته توسعه ای سال ۲۰۱۵ باشد.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که توسعه پایدار بدون پیشرفت در اشتغال و برنامه کار مناسب و معقول امکان پذیر نیست. در نتیجه، قرار دادن سیاست‌های اصولی و نهادهایی که کمک به ایجاد مشاغل بیشتر و بهتر می‌کند فرایند توسعه آسان می‌شود. در مقابل، رشد اقتصادی زمانی که شرایط کاری نامناسب و نا امن، دستمزد پایین، فقر زیاد و نابرابری کار وجود دارد، پایدار نیست. علاوه بر تاثیر آنها بر رشد اقتصادی، اشتغال، حقوق، امنیت اجتماعی و گفتگو اجزای جدایی ناپذیر از توسعه می‌باشد.

بنابراین، استخدام و کار مناسب باید یک هدف اصلی در برنامه‌های توسعه قبل از سال ۲۰۱۵ باشد. سازمان بین‌المللی کار طیف وسیعی از ابتکارات مهم که به عنوان بخشی از برنامه توسعه‌ای جدید تحت نظارت سازمان ملل انجام شده را اتخاذ کرده‌است که می‌تواند سهمی قابل توجهی از بهبود استانداردهای زندگی همه زنان و مردان را در سراسر جهان، برآورده سازد.